

زندگی نامه محمدعلی حائری سنقری

و تصحیح و بازخوانی سندی در ارتباط با ایشان

اسدالله عبدلی آشتیانی *

علی قنبریان **

چکیده

محمدعلی سنقری حائری (۱۲۹۳ق - ۱۳۷۸ق) مفسر، محدث، متکلم، و فقیه شیعی فرزند شیخ محمدحسن در کربلا به دنیا آمد. وی به خاطر هجرت به شهر سنقر و سال‌ها تبلیغ و ارشاد مردم در آن دیار به سنقری معروف شده است. سنقری در جریان مشروطیت به توصیه استادش آخوند خراسانی به سنقر رفت و در آنجا به ترویج احکام اسلام و حل مشکلات دینی مردم پرداخت. ایشان بعد از چند سال تبلیغ و ترویج دین به زادگاهش کربلای معلی بازگشت و نزد آیت‌الله شیخ محمد تقی شیرازی به تحصیل پرداخت. اما در سنه ۱۳۴۵ ق مردم سنقر طی نامه‌ای که به امضای ۲۱ تن از شخصیت‌های بزرگ سنقر همچون آیت‌الله حبیب‌الله پیشوایی رسیده بود، از آیت‌الله محمد حسین نائینی درخواست نمودند تا ایشان را به سنقر بازگردانند. سنقری نیز بخاطر درخواست‌های مکرر مردم به سنقر بازگشت. نویسنده در نوشتار پیش رو نخست، به اختصار به شخصیت شناسی و بررسی زندگانی محمدعلی سنقری پرداخته و در این راستا، به آثار و رساله‌ها، شخصیت وی در

* پژوهشگر اسناد تاریخی

** پژوهشگر و مصحح متون کهن / Ghanbarian.howzeh@yahoo.com

کلام بزرگان و دانشمندان، اساتید و اجازات ایشان اشاره نموده است. در ادامه، نامه اهالی سنقر جهت ارجاع سنقری به آن شهر را مورد بازخوانی قرار داده و پس از بیان توضیحاتی پیرامون متن نامه، مهرها، حواشی و سجلات آن، متن نامه و تصویر نسخه اصلی آن را ارائه کرده است.

کلیدواژه ها

محمدعلی سنقری حائری، سنقر، زندگی نامه، کرمانشاه، شخصیت شناسی، نامه اهالی سنقر، بازخوانی نامه.

۱. شخصیت‌شناسی محمدعلی سنقری

علامه حاج شیخ محمدعلی سنقری حائری (۱۲۹۳ق-۱۳۷۸ق) مفسّر، محدّث، متکلم و فقیه، فرزند شیخ محمدحسن در روز هفتم جمادی‌الاولی سال ۱۲۹۳ قمری در شهر کربلا به دنیا آمد. ایشان در جوانی در شهر کربلا با خانواده‌ای متدین وصلت نمود که ثمره آن دو فرزند بود. فرزند اول ایشان شیخ احمد حائری از طلاب کربلا بود که به گفته آقا بزرگ تهرانی طلبه فاضلی بود، اما تقدیر بر آن بود که در همان ابتدای جوانی بهار عمرش به خزان نشیند، لذا هنگامی که حاج شیخ محمدعلی سنقری حائری از سفر دوم خود از سنقر به کربلا بازگشت، فرزند دل‌بندش در اثر بیماری استسقاء در سال ۱۳۴۳ قمری دیده از جهان فروبست و حاج شیخ را در عزای خود نشانند. فرزند دوم شیخ محمدعلی سنقری، دختری بود که با سیدامین نصرالله ازدواج نمود. سیدعباس آل نصرالله و سید هاشم آل نصرالله نوه دختری ایشان هستند. وی در نجف، کربلا، و سنقر کرسی تدریس داشته و برخی از فضلا همچون سیدغلامرضا کسائی تبریزی (۱۳۳۵-۱۳۹۳ق) از بیانات علمی ایشان بهره‌مند بودند.

شیخ محمدعلی سنقری به خاطر هجرت به شهر سنقر (از شهرهای استان کرمانشاه) و سال‌ها تبلیغ و ارشاد مردم در آن دیار به «سنقری» معروف شده است. وی پس از سال‌ها فعالیت علمی و فرهنگی و ارشاد مردم، در روز پنج‌شنبه ششم محرم ۱۳۷۸ قمری در سن ۸۵ سالگی وفات کرد و نماز میت بر جنازه پاک ایشان توسط وصی ایشان و شاگرد فاضل آن مرد الهی، آیت الله سید محمد رضا طبسی اقامه شد و در شهر کربلا به خاک سپرده شد.

پس از وفات شیخ محمد علی سنقری، کتابخانه شخصی و تألیفات ایشان (به خط مؤلف)، به کتابخانه طبسی منتقل شده است. کتابخانه طبسی هم‌اکنون در شهر قم بوده و حاوی نسخه‌های خطی و دست‌نوشته‌های نفیسی است که تصاویر و میکروفیلم‌های آنان را در اختیار محققان و مصححان متون کهن قرار می‌دهد.

۱.۱. آثار و رساله‌ها

شیخ محمد علی سنقری عشق و علاقه فراوانی به تحقیق و نگارش داشته است. چه در سال‌هایی که در کربلا و نجف بوده و چه در ایام اقامت و تبلیغ در شهر سنقر، در کنار فعالیت‌های دیگرش، بخشی از اوقات شبانه روزی خویش را اختصاص به این امر داده است. رساله‌های وی غالباً به زبان عربی است. برخی از رسائل ایشان عبارت است از:

- _ المجالس المعادیة فی تفسیر الآیات القرآنیة؛
- _ الادعیة و التعقیبات؛
- _ ترشیح الاقلام فی تشریح مصباح الظلام؛
- _ مرآت العقل؛ (این اثر کتاب مفصلی است در دو جلد در علم کلام)
- _ کلم الطیب؛
- _ امالی العلوم (امالی و کشکول الادب / کشکول)؛
- _ المسائل الفقهیة؛
- _ جوامع التأویل؛
- _ خواص السور القرآنیة؛
- _ خمیره (رسالة خمیریة)؛ این اثر رساله‌ای است در حرمت خمر شامل پنج عنوان.
- _ رساله در تجوید (رسالة التّجوید فی علم القرائة)؛
- _ رساله فی الاستخارة؛
- _ الرسالة العاصمیة (عربی)؛ (نجف، ۱۳۷۹ق، سربی، وزیری، ۴۹ ص)
- _ کشکول؛ این اثر فواید پراکنده‌ای برگرفته از کتب مختلف در موضوعاتی چون عقاید، احادیث، لغت، ادعیه، تاریخ، طب، و غیر آن است که بدون نظم و ترتیب خاصی در این



نسخه کتابت شده است. اکثر مطالب کتاب به عربی، و برخی از مطالب آن فارسی است. این اثر به شماره ۸۵۱ در مخزن کتابخانه فهرست شده است.

_ کَشکول؛ این کَشکول به خط مرحوم سنقری حائری است که در آن مطالب علمی و چند منظومه شعری و فهرست کتاب‌های کتابخانه اش و حتی لیستی از اسباب منزل را که هنگام سفر به سنقر در نزد دوستانش به امانت گذارده، در این بیاض ثبت نموده است.



تمثال آیت الله شیخ محمد علی حائری سنقری

رساله‌های مستقل این بیاض عبارت‌اند از: آداب المتعلمین خواجه نصیر طوسی، سؤال و جواب‌های ملا حسن یزدی، خطبه «غراء یقرء عند ختم الفواتح»، و منظومه‌های خان نعمت، غسل مصفی، مثنوی نان و دوغ از سید ضیاء سماء، نور و ضیاء، اشعاری از قزوینی، و برخی از روایات و مطالب اعتقادی. این اثر به شماره ۷۲۶ در مخزن کتابخانه نگهداری می‌شود.



۲/۱. در کلام بزرگان و دانشمندان

بسیاری از علما، در تقریظ‌هایی که بر رساله‌های شیخ محمدعلی سنقری نگاشته‌اند و یا در اجازاتی (اجازة اجتهاد، امور حسبه، و نقل حدیث) که برای وی صادر کرده‌اند، از ایشان تمجید کرده‌اند. به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) حاج سید ابوالقاسم موسوی خوبی درباره ایشان گوید:

«انّ الشیخ العلامة علم الاعلام، ملاذ الانام، حجة الإسلام، الشیخ محمد علی السنقری...».

شیخ علامه دانشمند، پناهگاه آدمیان، حجت الاسلام، شیخ محمد علی سنقری ...

ب) شیخ آقابرگ تهرانی نویسنده کتاب ارزشمند «الذریعة الی تصانیف الشیعة» ایشان

را چنین توصیف می‌کند:

«العالم الكامل، العزیز المتکلم، الباهر الفقیه الماهر والمحدث البصیر الخبیر، أعنی ثقة الإسلام

وملاذ الانام وعلم الأعلام، شیخنا ومولانا الصفی الولی الحری حضرت شیخ محمدعلی حائری

دامت برکاته...».

عالم کامل، عزیز متکلم، فقیه ماهر باهر و محدث صاحب بصیرت و خبیر، ثقة الاسلام

و پناهگاه مردم و دانشمند، شیخ ما و مولای ما، ولی برگزیده آزاداندیش حضرت شیخ

محمدعلی حائری دامت برکاته.

۳/۱. اساتید

شیخ محمدعلی سنقری در دوران تحصیل از اساتید بسیاری در نجف و کربلا استفاده کرد.

برخی از اساتید ایشان همچون محقق خراسانی از بزرگان و نام‌آوران زمان خود بودند.

برخی از اساتید ایشان در دوره مقدمات عبارت است از:

– حاج شیخ محمدحسن حائری؛ (پدر صاحب ترجمه)

– حاج شیخ علی سیویه حائری؛ (م ۱۳۲۰ق)

– شیخ بخشعلی یزدی؛ (م ۱۳۲۰ق)

– شیخ موسی بن جعفر کرمانشاهی؛ (م ۱۳۴۰ق)





شیخ محمدعلی سنقری در ترجمه خودنوشت خود از استاد اخیر خود با عنوان «علامه» یاد کرده و یادآور شده که در علم معانی، بیان، و بدیع از ایشان بهره‌مند شده است.

– سید میرزا محمدحسین شهرستانی. (م ۱۳۱۵ق)

او بعد از گذراندن دوره مقدمات تصمیم گرفت تحصیلات خود را در مراحل بالاتر ادامه دهد، از این روی در نزد اساتید مشهور کربلا شروع به تحصیل دروس حوزه آن زمان کربلا نمود:

– شیخ غلامحسین مرندی؛ (م ۱۳۴۵ق)

– عبدالله کشمیری حائری؛

– سید اسدالله اصفهانی؛ (م ۱۳۳۷ق)

– شیخ علی مازندرانی حائری؛ (م ۱۳۳۹ق)

– ملا اسماعیل بروجردی؛ (م ۱۳۰۷ق)

– ملا عباس سیبویه حائری. (م ۱۳۲۹ق)

در درس خارج فقه و اصول که بالاترین مقطع تحصیلی روحانیت شیعه است، شرکت کرد

و از اساتید بزرگی بهره علمی برد:

– شیخ فتح‌الله غروی اصفهانی مشهور به شیخ الشریعة؛ (م ۱۳۳۹ق)

– آخوند ملا محمدکاظم خراسانی؛ (م ۱۳۲۹ق)

– میرزا محمدتقی شیرازی حائری؛ (م ۱۳۳۸ق)

– حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی مشهور به آقا نجفی؛ (م ۱۳۳۲ق)

– سیداسماعیل صدر حائری؛ (م ۱۳۳۸ق)

– شیخ محمدحسن مازندرانی حائری.

۴/۱. اجازات

علامه شیخ محمدعلی سنقری اجازه‌هایی از علما و اساتید خویش دارد. برخی از این اجازات

در ذیل می‌آید:

الف) اجازه نقل روایت از شیخ آقا بزرگ تهرانی؛

ب) اجازه امور حسبیه از آخوند ملا محمدکاظم خراسانی؛

مقصود از امور حسبيه، کارهایی است که محسوب برای خداست و به عنوان وظیفه عبادی انجام می‌گیرد، همچون دریافت حقوق شرعیه (خمس و زکات) و به مصرف رسانیدن آن‌ها در موارد خود، حفاظت از موقوفه‌هایی که متولی خاصی ندارند و ... آخوند خراسانی به برخی از شاگردان برجسته خود اجازه داده است که در امور مرتبط به اداره نظام و امور اجتماعی مرتبط به جامعه دخالت کرده و مشکلات جامعه اسلامی را سامان دهند، از جمله آن اجازه حسیه به شیخ محمدعلی سنقری حائری از علمای کربلای می‌باشد. آخوند ایشان را به اوصاف: «العالم العامل والفاضل الكل البازل، عمدة العلماء الاعلام واسوة الفضلاء الكرام، الشيخ محمدعلي بن الشيخ حسنعلي الحائري الهمداني» ستوده است.

پ) اجازه امور حسیه از میرزا محمدتقی شیرازی حائری؛

ت) اجازه امور حسیه از سید ابوالحسن اصفهانی؛

ث) اجازه امور حسیه از سید مصطفی حسینی کاشانی.

۲. بازخوانی نامه اهالی سنقر

شیخ محمدعلی سنقری پس از تکمیل دروس از محضر اساتید نجف اشرف، به امر آخوند خراسانی در دوره مشروطه به شهر سنقر هجرت کرد. سنقر یکی از شهرهای استان کرمانشاه در غرب ایران است. این شهر در ۸۵ کیلومتری شمال شرقی شهر کرمانشاه قرار دارد. مردم شهر سنقر به زبان ترکی و کردی با گویش محلی صحبت می‌کنند.

وقتی که شیخ محمدعلی به سنقر رسید، علما و رجال کرمانشاه و سنقر به استقبالش آمدند. در آنجا به ترویج احکام اهتمام کرد و محل رجوع خواص و عوام گردید. چند سال در آنجا بود و مورد احترام و قبول جميع طبقات مردم بود. در هفته دو روز را جهت مراجعه و پاسخ‌گویی به سؤالات دینی تعیین کرده بود. در جلسات درسش فضلا و علماء همدان و کرمانشاه حضور می‌یافتند.

ایشان به غیر از کارهای تبلیغی در این شهر، به تألیف نیز مشغول بودند و در سال‌های حضور خود در سنقر کتاب‌هایی را تألیف نمودند که از جمله آن آثار، «شرح چهل حدیث» بود. ایشان در این رساله به حضور خود در شهر سنقر اشاره کرده است.

۱۱ ترجمه
۱۳۳۵

تجوید کلام الله

قرآن وجود پرست گرام
تجوید تعظیم کلام خیر بر آوردن عرو و وقف و تکیه آن وجود پرست را در خواندن کلام حق تعالی

در کتاب است هر کس که عبادت الله را در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد
دوازده ساعت در هر روز در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد
و استی عرض کرده است که در هر کس که در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد
در هر کس که در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد
تا یکصد بار در هر روز در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد
وجود پرست که نظر در نظیر و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد
خواهد شد لذت عرو و وقف آن وجود پرست را در هر کس که در این ترجمه بیاموزد و در هر کس که در این ترجمه بیاموزد

Decorative section containing circular stamps and handwritten notes. The stamps include various religious and institutional seals. Handwritten notes are written in Persian script, some appearing to be testimonials or additional instructions.

متن نامه و درخواست علمای شهر سنقر

فصلنامه تخصصی کاتبین شامی و نسخه شناسی
سال بیست و چهارم | شماره ۹۴ | زمستان ۱۳۹۷



مرحوم سنقری حائری بعد از چند سال تبلیغ و ترویج دین، به زادگاهش کربلای معلّی بازگشت و پس از بازگشت، به حوزه درس آیت الله شیخ محمدتقی شیرازی حاضر و از آن بهره‌مند شد. در سال ۱۳۴۵ قمری مردم سنقر طی نامه‌ای که به امضای ۲۱ تن از بزرگان و ریش‌سفیدان سنقر رسیده بود، درخواست نمودند که دوباره مرحوم حاج شیخ محمدعلی سنقری به شهر سنقر برگردند.

مرحوم سنقری نیز به‌خاطر درخواست‌های مکرر مردم به سنقر بازگشت. ایشان در این شهر با اهل علم و فضل مجلس بحث و مذاکره داشت و همواره گروهی در محضر ایشان حضور پیدا می‌کردند و از بیانات و تقریرات وی استفاده می‌نمودند.

مرحوم سنقری پس از سال‌ها تبلیغ و ارشاد مردم، بالاخره برای همیشه به موطن اصلی خود کربلای معلّی بازگشت و مشغول تکمیل کارهای نیمه‌تمام خود شد و تألیفات بسیاری را به پایان رساند که بیش از بیست عنوان می‌باشد و نیز کتاب‌های بسیاری را استتساخ نمود و شاگردانی را نیز تربیت نمود.

۱.۲. توضیحاتی درباره نامه

نامه حاضر دارای سوادى نمى‌باشد و در مخزن اسناد کتابخانه طبسى در شهر قم نگه‌دارى مى‌شود. تصوير آن از محقق ارجمند جناب حجت الاسلام روح الله عباسى تهیه شده است. از متن نامه اطلاعات زیر به دست مى‌آید:

الف) نامه در سال ۱۳۴۵ قمرى نگاشته شده است. باتوجه به اینکه شیخ محمدعلی سنقری در ۱۲۹۳ قمری به دنیا آمده و ۱۳۷۸ قمری از دنیا رفته است، معلوم می‌شود که هنگام نگارش نامه، ۴۷ سال داشته و ۳۳ سال بعد از نگارش نامه در قید حیات بوده است.

ب) مخاطب نامه صراحتاً ذکر نشده است و این ضعفی آشکار در نگارش نامه است. با توجه به قرآنی احتمال دارد که مخاطب نامه، آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی باشد:

– از عبارت «نائب الامام» که در صدر نامه آمده است و همچنین عبارت «البته نظر به وظیفه‌دارى آن وجود اقدس محض توسعه نشر احکام، معزى الیه را امر به حرکت فرموده» که در ذیل نامه آمده، معلوم می‌شود که مخاطب نامه، از مراجع شیعه در آن زمان بوده است.

- همچنین در یکی از سجالات نامه چنین آمده است: «قسم می‌دهم به جدّ بزرگوارت زودتر حرکت به حضرت آقا بدهید و ناامیدمان نفرمایید». از عبارت «جدّ بزرگوارت» فهمیده می‌شود که طرف نامه از سادات است.

- آیت الله سید ابوالحسن موسوی مدیسه‌ای اصفهانی، سال ۱۲۸۴ قمری به دنیا آمده و در سال ۱۳۶۵ قمری از دنیا رفته است. در زمان نگارش نامه (۱۳۴۵ قمری)، ۶۱ سال داشته است.

ج) در متن نامه آمده است:

«دو سال است حضرت مستطاب عماد الاسلام و الدین، مباشر احکام سید المرسلین، شریعتمدار آقای آقا شیخ محمد علی حائری که چند سال در قصبه سنقر مشغول نشر احکام و نماز جماعت بود و جلوگیری از منهیات می‌فرمود، تشریف فرما به اوطان مألوف خود گردیده».

از این عبارات چند مطلب دانسته می‌شود: اولاً اینکه اهالی سنقر، شیخ محمد علی را بسیار قبول داشته‌اند زیرا از عبارات «عماد الاسلام و الدین، مباشر احکام سید المرسلین، شریعتمدار» در توصیف ایشان استفاده کرده‌اند و ثانیاً اینکه از عبارت «دو سال است حضرت مستطاب... تشریف فرما به اوطان مألوف خود گردیده» دانسته می‌شود که وی در سال ۱۳۴۳ قمری و قبل از آن، در سنقر بوده است.

د) نامه حاضر اولین درخواست اهالی بر رجوع عالمشان نبوده است و قبل از این نامه درخواست‌هایی داشته‌اند: «مکرّر عریضه و استدعا عرض کردیم که تشریف بیاورد، پذیرفته نشده».

ح) نامه ممه‌ور به نقش مهر ۱۹ تن از اهالی سنقر است و همچنین دارای ۳ سجل و حاشیه.

۲/۲. متن نامه

۱۱ شهر رجب المرجب ۱۳۴۵

حجة الاسلام، نائب الاماما

قربان وجود اقدس گردیدیم. بعد از تقدیم ادعیه صالحه خیریه بر ازدیاد عمر و توفیق و تأیید آن وجود اقدس ارواحنا فداه، معروض رأی حضور انور مبارکت می‌دارد. دو سال است حضرت مستطاب عماد الاسلام و الدین، ناشر احکام سیدالمرسلین، شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدعلی حائری که چند سال در قصبه سنقر مشغول نشر احکام و نماز جماعت بود و جلوگیری از منهیات می‌فرمود، تشریف فرما به اوطان مألوف خود گردیده، دعاگویان را به اندازه بی پرستار گذاشته.

مکرر عریضه و استدعا عرض کرده ایم که تشریف بیاورد، پذیرفته نشده. لذا ملتجاً به آستان مبارک گردیده. امر و مقرر فرمایی، تشریف بیاورد و مخارج راه و وسیله سواری در صورت تشریف آوردند از برادر آقای حاج عباس، تاجر معروف کرمانشاهان در بغداد، که نوشته از برادرش گرفته تا یکصد روپیه اخذ فرماید. دعاگویان در کرمانشاهان می‌پردازیم به اضافه مخارج از دائر کردن منزل و اثاثیه و ملزومات با هفتاد تومان موجود حاضریم. البته نظر به وظیفه داری آن وجود اقدس، محض توسعه نشر احکام، معزی‌الیه را امر به حرکت فرموده. اسباب امیدواری و دعاگویی خواهد شد. از خاتمه، دوام عمر و توفیق آن وجود اقدس را از حق تعالی خواهان و منتظر نتیجه هستیم. عموم اهل ولایت و قصبه.

۲/۳. مهرها

جواد الحسینی، اسماعیل الموسوی، حسین متی و انا من حسین، قربانعلی، [سلام قولاً من رب رحیم]، محمد رحیم، یا محمود، یا عزیز الله، پیرزاد، عبدالله، عبده هدایت، عبده محمد تقی، آقا حسین، ید الله، عبده الراجی رضاقلی.

۲/۴. حواشی و سجلات

الف) بسم الله تعالی شأنه العزیز. از حضور مبارک تمتاً می‌شود که استدعای حضرات را قبول فرموده. جناب مستطاب آقای معظم له را اجازه داده تشریف بیاورند. اقل السادات مهدی الحسینی السنقری (مهر: مهدی الحسینی).

ب) عرض و استدعای آقا سید اسماعیل: در محضر حضرت حجة الاسلام و نائب الامام. قسم می‌دهم به جد بزرگوارت زودتر حرکت به حضرت آقا بدهید و ناامیدمان نفرمایید. و سلام علیکم.



پ) بسمه تعالی البتہ تشریف آوردن ایشان از جهت رفع بدع مُبتدعین و دفع ضالّین و اغاثه ملهوفین، لازم و واجب است. چون قلمدان حاضر نبود لذا با مداد نوشته شد. امید عفو است. خادم الشریعه حبیب اللہ سنقری.

منابع

۱. آل طعمه، سید سلمان هادی، معجم رجال الفکر و الادب فی کربلا.
۲. پایگاه اطلاع رسانی: <https://fa.wikipedia.org>
۳. <http://fa.wikishia.net> :_____
۴. جواهرکلام، عبدالحسین، ۱۴۲۴ق، تربت پاکان قم، قم، ناشر: انصاریان، چ اول.
۵. حافظیان بابلی، ابوالفضل، ۱۳۸۳ش، نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حائری (امام رضا)، (نسخه پژوهی، دفتر یکم)، قم، مؤسسه اطلاع رسانی مرجع (خانه پژوهش قم).
۶. دبیرخانه علمی کنگره، ۱۳۹۰، مقالات، قم، ناشر: کنگره آخوند خراسانی، چ اول.
۷. درایتی، مصطفی، ۱۳۹۲ش، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ویراستار: مجتبی درایتی، تهران، نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول.
۸. سنقری، محمدعلی، ۱۳۷۹ق، الرسالة العاصمیه فی الذبّ عن بعض الشبهات، به اهتمام سیدهاشم آل نصرالله، نجف، نشر قضاء، چ اول.
۹. عباسی، روح الله، ۱۳۸۲ش، آیت الله حاج شیخ محمدعلی سنقری حائری، مجله مسجد، شماره شصت و هفتم، ص ۶۲-۶۷.
۱۰. مشار، خان بابا، ۱۳۴۰ش، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، بی جا، بی نا، چ اول.